

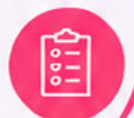
با ایران توشه
یک قدم جلوتر
باش!



ایران توشه
توشه ای برای موفقیت



ایران توشه، مرجع دانلود فایل های کمک آموزشی دانش آموزان و کنکوری ها



دانلود رایگان آزمون های آزمایشی
قلمچی، خیلی سبز، گاج و ...



دانلود رایگان گام به گام تمامی دروس



دانلود رایگان نمونه سوالات امتحانی
(نوبت اول و دوم) و امتحانات نهایی



دانلود رایگان جزوه های کمک آموزشی
و شب امتحانی

همه چیز
برای موفقیت
تو!

Google

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه

کافیست هر فایلی که نیاز دارید
را در گوگل به این صورت جستجو کنید:

فایل مورد نیاز + ایران توشه

مثال:

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه



irantooshe.ir



t.me/irantooshe





گام به گام فلسفه (۲) دوازدهم

درس پنجم

عنوان فصل: خدا در فلسفه _ قسمت اول

از صفحه‌ی ۳۰ تا صفحه‌ی ۴۰ کتاب

در این فایل پاسخ فعالیت‌ها، کارهای کلاسی، تمرین‌ها و پرسش‌های فصل خدا در فلسفه _ قسمت اول آمده است.

مباحث فصل: خدا در یونان باستان، دوره‌ی جدید اروپا، باور به خدا و معنادر زندگی

تهیه شده در ایران توشه، توشه‌ای برای موفقیت

irantooshe.ir

فهرست پرسش‌ها

- ۱ صفحه ۳۲۰ تبیین — برهان نظم افلاطون ۴
- ۲ صفحه ۳۳۰ تبیین — برهان درجات کمال ارسطو ۴
- ۳ صفحه ۳۴۰ اندیشه — مقصود ارسطو از توصیفات خدا ۴
- ۴ صفحه ۳۵۰ استدلال — استدلال دکارت بر وجود خدا ۵
- ۵ صفحه ۳۵۰ بررسی* — نظر هیوم درباره خدا ۵
- ۶ صفحه ۳۷۰ بررسی* — تحلیل دیدگاه کانت ۶
- ۷ صفحه ۳۸۰ بررسی — جمله داستایوفسکی ۶
- ۸ صفحه ۳۹۰ بررسی* — نکته کلیدی‌تر ۶
- ۹ صفحه ۴۰۰ به کار بندیم — نظر فیلسوفان درباره خدا ۷

ایران توشه
نوشته‌ای برای موفقیّت

این فایل توسط سایت ایران توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir



این فایل توسط سایت ایران توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir



عبارت افلاطون، بیان اولیه‌ای از «برهان نظم» برای اثبات وجود خداست. این عبارت را به صورت یک برهان درآورید.

مقدمه^۱:

مقدمه^۲:

نتیجه:

عبارت افلاطون: «یگانه سخنی که دربارهٔ نظم جهان و گردش آفتاب و ماه و ستارگان می‌توان گفت این است که کل جهان در زیر فرمان عقل قرار دارد.»

- مقدمه^۱: جهان (گردش آفتاب و ماه و ستارگان) دارای نظم است.
- مقدمه^۲: هر نظامی ناظمی عاقل و آگاه دارد (نظم بدون عقل پدید نمی‌آید).
- نتیجه: پس جهان دارای ناظمی عاقل و آگاه (صانع یا خدا) است.

برهان «برترین درجات کمال» ارسطو را در شکل دو مقدمه و یک نتیجه تکمیل کنید.

مقدمه^۱:

مقدمه^۲: هر جا که یک خوب‌تر و بهتر هست، خوب‌ترین و بهترین نیز هست.

نتیجه: پس نتیجه:

- مقدمه^۱: در میان موجودات، برخی خوب‌تر و بهتر (کامل‌تر) از برخی دیگرند.
- مقدمه^۲: هر جا که یک خوب‌تر و بهتر هست، خوب‌ترین و بهترین نیز هست.
- نتیجه: پس خوب‌ترین و بهترین موجود (کامل مطلق) هم هست که از همه برتر است و همان واقعیت الهی (خدا) است.

دربارهٔ عبارت‌هایی که زیر آنها خط کشیده شده است، بیندیشید و مقصود ارسطو را از آنها توضیح دهید.
(شریف‌ترین موجود، خیر و جمال و زیبایی، ضرورتاً موجود، محرک غیرمتحرک، دارای حیات، تغییرناپذیر و دارای عالی‌ترین اندیشه)

- شریف‌ترین موجود، خیر و جمال و زیبایی: خدا در ارزش و کمال از همهٔ موجودات برتر است و سرچشمهٔ همهٔ خوبی‌ها و زیبایی‌هاست.

- ضرورتاً موجود: وجود برای او ضروری و ذاتی است و نیازمند علت نیست.
- محرک غیرمحرک: او آغازگر حرکت‌های عالم است ولی خود نیازمند محرک دیگری نیست.
- دارای حیات و عالی‌ترین اندیشه: او زنده و آگاه است و کامل‌ترین علم و تعقل را دارد.
- تغییرناپذیر: چون کامل مطلق است، نقصی ندارد که بخواهد کامل‌تر شود و تغییر کند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۴

صفحه ۳۵

استدلال

بیان دکارت در اثبات وجود خدا را در قالب یک استدلال بیان کنید.

مقدمه ۱:

مقدمه ۲:

نتیجه:

- مقدمه ۱: من تصویری از حقیقتی نامتناهی، دانا و توانا دارم.
- مقدمه ۲: این تصور نمی‌تواند از خودم یا از هیچ موجود متناهی دیگر باشد (چون موجود متناهی منشأ تصور نامتناهی نیست).
- نتیجه: پس این تصور از یک وجود نامتناهی است و چنین موجودی (خدا) وجود دارد.

۵

صفحه ۳۵

بررسی*

۱ این نظر دیوید هیوم را با دیدگاه وی در معرفت‌شناسی تطبیق دهید و ببینید که آن دیدگاه چه تأثیری بر نظر وی درباره خدا گذاشته است؟

۲ آیا واقعاً این سخن هیوم که «مهم‌ترین برهان فیلسوفان الهی، برهان نظم است» درست است؟

- ۱. هیوم در معرفت‌شناسی فقط حس و تجربه را معتبر می‌داند و عقل را مستقل از آنها ناتوان از ادراک می‌شمارد. به همین دلیل همه دلایل عقلی (مانند دلیل دکارت) را برای اثبات خدا مردود می‌داند و تنها برهان نظم را که از تجربه گرفته شده می‌پذیرد، آن هم فقط برای اثبات ناظمی برای جهان، نه خدای ازلی و ابدی و نامتناهی.
- ۲. این سخن چندان درست نیست؛ برهان نظم یکی از براهین است، ولی فیلسوفان الهی (به‌ویژه فیلسوفان مسلمان) برهان‌های مهم‌تر و دقیق‌تری مانند برهان علیت و نفی تسلسل (فارابی)، وجوب و امکان (ابن‌سینا) و حرکت (ارسطو) دارند که مبتنی بر عقل‌اند و نیازی به تجربه ندارند. این سخن هیوم نتیجه نگاه تجربه‌گرایانه اوست.

گفته شده است که کانت به جای اثبات وجود خدا، نیاز انسان به وجود خدا را مطرح می‌کند. به عبارت دیگر، کانت می‌گوید که اگر خدا را فرض نکنیم و قبول نداشته باشیم، عمل اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی ممکن نیست.

این دیدگاه را تحلیل و بررسی نمایید.

کانت اخلاق را بر اختیار و نفس مجرد و جاودانه و سعادت دائمی متکی می‌داند و برای اینها خدا را لازم می‌شمارد؛ بنابراین قبول خدا پشتوانه اخلاق و مسئولیت‌پذیری است. نقاط قوت این دیدگاه آن است که پیوند میان خدا و اخلاق و معنای زندگی را نشان می‌دهد.

اما اشکال آن است که به جای اثبات وجود عینی و واقعی خدا، فقط نیاز ذهنی انسان به فرض او را مطرح می‌کند؛ در حالی که نیاز ما به چیزی، دلیل بر وجود واقعی آن نیست. فیلسوفان مسلمان معتقدند که باید وجود خدا با برهان عقلی ثابت شود و سپس به آثار آن در اخلاق و معناداری زندگی پرداخته شود.

داستایوفسکی نیز در رمان «برادران کارامازوف» به همین مسئله می‌پردازد و از قول یکی از شخصیت‌ها می‌گوید: «اگر خدایی وجود نداشته باشد، آن وقت هر کاری مجاز است.» مقصود از «مجاز» در این جمله چیست؟ چرا بدون خدا هر کاری مجاز است؟ این جمله داستایوفسکی شما را به یاد کدام دیدگاه درباره خدا می‌اندازد؟

۱. «مجاز» یعنی هر کاری، حتی ظلم و جنایت، روا و بدون ممنوعیت و مسئولیت است و هیچ کار بدی ممنوع نیست.
۲. زیرا بدون خدا، ضامن و پشتوانه اخلاق، پاداش و کیفر و مسئولیت‌پذیری وجود ندارد؛ اگر در برابر هیچ مرجع متعالی پاسخگو نباشیم، دلیلی نمی‌ماند که کاری خوب یا بد شمرده شود.
۳. دیدگاه کانت را که می‌گفت قبول خدا پشتوانه اخلاق و مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اختیار انسان است.

در نکات ذکر شده تأمل کنید و بگویید: کدام یک از نکات فوق کلیدی‌تر است و اهمیت بیشتری دارد. ۱) فیلسوفان تجربه‌گرا دلایل اندکی برای اثبات خدا بیان کردند اما منکر او نشدند. ۲ علت عدم انکار، احساس نیاز درونی انسان به خداست. ۳ اگر تجربه‌گرایی غلبه نمی‌یافت، دلایل بیشتری بر وجود خدا می‌یافتند. ۴

انسان نیاز به خدا را در درون خود می‌یابد، اما اگر این نیاز را با اثبات عقلی همراه کند، جایگاه خدا در زندگی‌اش مستحکم می‌شود.

به نظر می‌رسد نکته ۴ کلیدی‌تر است؛ زیرا هم نیاز درونی انسان به خدا و معناداری زندگی را در نظر می‌گیرد و هم بر اهمیت اثبات عقلی تأکید می‌کند. نیاز درونی به تنهایی ممکن است متزلزل باشد و استدلال عقلی به تنهایی ممکن است زندگی را معنا ندهد؛ جمع این دو باور به خدا را پایدار می‌سازد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۹

صفحه ۴۰

به‌کار بندیم

نظر فیلسوفان زیر را درباره «خدا» بیان کنید.

۱ افلاطون: ۲ ارسطو: ۳ دکارت: ۴ هیوم: ۵ ویلیام جیمز:

۱. افلاطون: خدا یک موجود معین، یگانه و ثابت و غیرمادی است که با تعقل درک می‌شود؛ او را «مثال خیر» و «صانع» (آفریننده جهان) می‌نامد و نظم جهان را نشانه عقل او می‌داند (برهان نظم).
۲. ارسطو: خدا برترین و کامل‌ترین موجود، شریف‌ترین، دارای حیات و عالی‌ترین اندیشه و «محرک غیرمتحرک» است؛ با برهان درجات کمال و برهان حرکت وجود او را اثبات می‌کند.
۳. دکارت: خدا موجودی نامتناهی، دانا و توانا و خالق همه چیز است که تصور او در ذهن انسان وجود دارد و این تصور نمی‌تواند از موجود متناهی باشد؛ پس وجود او با عقل اثبات می‌شود.
۴. هیوم: دلایل عقلی برای اثبات خدا پذیرفتنی نیست؛ برهان نظم نیز فقط وجود ناظمی را ثابت می‌کند و نمی‌تواند وجود ازلی و ابدی و نامتناهی و بی‌نیاز از علت را اثبات کند.
۵. ویلیام جیمز: دلیل وجود خدا بیشتر در تجربه‌های شخصی و درونی (معنوی) انسان نهفته است؛ مثلاً در لحظه‌های راز و نیاز با خدا حضور او را حس می‌کنیم و به معنویت می‌رسیم.

توشه‌ای برای موفقیت

این فایل توسط سایت ایران توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir

